



چگونگی برخورد قضائی با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر رویه قضائی

رقیه‌السادات مؤمن*، زهرا مینا**

چکیده

اخلاق و معنویت به‌عنوان دو مؤلفه بنیادین در شکل‌دهی به هویت فردی و نظم اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در تأمین سلامت فرهنگی، انسجام اجتماعی و ثبات جوامع ایفا می‌کنند. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، صیانت از اخلاق عمومی و معنویت اجتماعی صرفاً یک ارزش دینی و فرهنگی نیست، بلکه بخشی از نظم عمومی و از وظایف اساسی حاکمیت و نظام عدالت‌کیفری محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر، گسترش کانون‌های سازمان‌یافته ضد اخلاق و معنویت، به‌ویژه در قالب مراکز فساد، نحله‌ها و فرقه‌های انحرافی و فعالیت‌های سازمان‌یافته در فضای مجازی، چالش‌های نوپدید را پیش روی نظام عدالت‌کیفری ایجاد کرده است؛ چالش‌هایی که صرفاً در چارچوب تخلفات فردی قابل تحلیل نبوده و در بسیاری موارد، مصداق تهدید علیه اخلاق عمومی، معنویت اجتماعی و نظم عمومی به‌شمار می‌آیند. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر نقش محوری اخلاق و معنویت در پیشرفت فردی و اجتماعی و تمدن‌سازی نوین اسلامی، ضرورت مقابله‌ای معقول، هوشمندانه و هدفمند با این کانون‌ها را مورد توجه قرار داده و مسئولیت دستگاه قضائی، به‌ویژه دادگاه‌ها را در صیانت فعال از این ارزش‌ها برجسته ساخته است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از قوانین موضوعه، سیاست‌ها و اسناد بالادستی و تحلیل رویه

*. استادیار گروه حقوق پردیس خواهران دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام). sadatmomen@yahoo.com.

**دانشجوی دکتری مطالعات زن و خانواده گرایش حقوق خانواده، اندیشکده و دانشکده سبک زندگی ایرانی اسلامی،

دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران. نویسنده مسئول

zahramina137165@gmail.com

قضائی دادگاه‌ها به بررسی چگونگی برخورد قضائی با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در این راستا، ضمن تبیین مبانی قانونی مداخله قضائی، چالش‌ها و کاستی‌های موجود در رویه قضائی واکاوی شده و درنهایت، با استناد به مفاد بیانیه گام دوم انقلاب، راهکارهایی تقنینی و قضائی در جهت ارتقای کارآمدی نظام عدالت کیفری و تقویت نقش دادگاه‌ها در صیانت از اخلاق عمومی و معنویت اجتماعی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی:

اخلاق عمومی، معنویت اجتماعی، کانون‌های ضد اخلاق و معنویت، رویه قضائی، سیاست جنایی قضائی، بیانیه گام دوم انقلاب.

۱. مقدمه

اخلاق و معنویت، از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده به حیات فردی و اجتماعی انسان به شمار می‌آیند و نقشی تعیین‌کننده در تأمین سلامت فرهنگی، انسجام اجتماعی و ثبات نظم عمومی ایفا می‌کنند. جوامعی که در آن‌ها فضایل اخلاقی و ارزش‌های معنوی تقویت شده است، حتی در شرایط فشارهای اقتصادی و اجتماعی، از سطح بالاتری از اعتماد عمومی، امنیت روانی و همبستگی اجتماعی برخوردار بوده‌اند. در مقابل، تضعیف این مؤلفه‌ها، بستر مناسبی برای گسترش ناهنجاری‌ها، آسیب‌های اجتماعی و بحران‌های فرهنگی فراهم می‌سازد. از این منظر، صیانت از اخلاق عمومی و معنویت اجتماعی صرفاً یک دغدغه ارزشی یا فرهنگی نیست، بلکه موضوعی بنیادین در حوزه نظم عمومی و عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اخلاق و معنویت جایگاهی فراتر از توصیه‌های فردی داشته و به‌عنوان عناصر مؤثر بر نظم اجتماعی، مورد حمایت قانونگذار و نظام عدالت کیفری قرار گرفته‌اند. بخش قابل‌توجهی از قوانین کیفری، به‌ویژه در حوزه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی، مقابله با اشاعه فساد و فحشا، و برخورد با جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی، ناظر بر همین کارکرد اجتماعی اخلاق و معنویت است. این رویکرد نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران، اخلاق عمومی و معنویت اجتماعی را از ارکان اساسی امنیت فرهنگی و اجتماعی تلقی کرده و برای صیانت از آن‌ها، سازوکارهای کیفری و قضائی پیش‌بینی نموده است. با این حال، تحولات اجتماعی و فرهنگی دهه‌های اخیر، به‌ویژه گسترش ابزارهای نوین ارتباطی و رسانه‌ای، موجب پیدایش و توسعه کانون‌های سازمان‌یافته ضد اخلاق و معنویت با اشکال و شیوه‌های نوپدید شده است. ایجاد مراکز سازمان‌یافته فساد و فحشا، فعالیت فرقه‌ها و نحله‌های انحرافی با پوشش‌های شبه‌معنوی، و ترویج الگوهای رفتاری و سبک‌های زندگی مغایر با اخلاق عمومی، از جمله مصادیقی هستند که به دلیل ماهیت سازمان‌یافته و دامنه اثرگذاری گسترده، صرفاً در قالب انحرافات فردی قابل تحلیل نبوده و در بسیاری موارد، تهدیدی علیه اخلاق عمومی، معنویت اجتماعی و حتی نظم عمومی جامعه به شمار می‌آیند. در این میان، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان سندی راهبردی برای استمرار و تعالی نظام جمهوری اسلامی، با تأکید ویژه بر نقش جهت‌دهنده اخلاق و معنویت در تمامی عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی، ضرورت مقابله‌ای معقول، هوشمندانه و مسئولانه با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت را مورد توجه قرار داده است. در این بیانیه، ضمن تصریح بر این نکته که اخلاق و معنویت با اجبار و تحمیل محقق نمی‌شود، مسئولیت دستگاه‌های رسمی در صیانت از این ارزش‌ها و جلوگیری از اشاعه فساد برجسته شده و نقش قوه قضائیه و دادگاه‌ها در این

زمینه، جایگاهی محوری یافته است. دادگاه‌ها به‌عنوان رکن اساسی نظام عدالت کیفری، نقشی تعیین‌کننده در پیشگیری، مهار و مقابله با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت ایفا می‌کنند. اعمال صحیح سیاست جنایی قضائی، تفسیر منسجم و هدفمند قوانین، ایجاد وحدت رویه و رسیدگی دقیق و عادلانه به جرائم علیه اخلاق عمومی، می‌تواند ضمن جلوگیری از گسترش فساد و انحراف، از بروز برخوردهای سلیقه‌ای، افراطی یا غیرهدفمند نیز پیشگیری نماید. باین حال، پراکندگی مقررات، ابهام در مفاهیم حقوقی مرتبط با اخلاق عمومی و معنویت اجتماعی و پیچیدگی مصادیق نوپدید فرهنگی، ضرورت انجام پژوهش‌های تحلیلی و کاربردی در این حوزه را بیش از پیش آشکار ساخته است. براین اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی قوانین موضوعه و تحلیل رویه قضائی، به تبیین چگونگی برخورد قضائی با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بپردازد و ضمن شناسایی چالش‌ها و کاستی‌های موجود، راهکارهایی عملی و همسو با مفاد بیانیه گام دوم انقلاب در جهت ارتقای کارآمدی نظام عدالت کیفری و تقویت نقش دادگاه‌ها در صیانت از اخلاق عمومی و معنویت اجتماعی ارائه نماید.

بیان مسئله

اخلاق و معنویت، دو محور بنیادین و جهت‌دهنده در تمامی کنش‌های فردی و جمعی انسان‌ها به شمار می‌روند و به‌عنوان نیازی اساسی و زیربنایی برای هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. آموزه‌های دینی اسلام نیز در قالب آیات متعدد قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) بر اهمیت این دو رکن تأکید فراوان نموده‌اند. قرآن کریم با اشاره به سجایای اخلاقی پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری» و نیز نرمش و مهربانی ایشان با مردم را از موهبت‌های الهی برمی‌شمارد: «ای پیامبر! پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم‌خوی شدی.» در سنت نبوی نیز یکی از اهداف اصلی بعثت، تکمیل و تعالی فضائل اخلاقی عنوان شده است.^۱ «به راستی من مبعوث گردیدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۶: ۲۱۰). براین اساس، اخلاق و معنویت نقشی تعیین‌کننده در فرایند تربیت و هدایت فرد و جامعه ایفا می‌کنند. مقام معظم رهبری با درک این اهمیت، بخشی کلیدی از بیانیه «گام دوم انقلاب» را به این دو مفهوم اختصاص داده

۱. «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۴)

۲. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ» (آل عمران/۱۵۹)

۳. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»

و معنویت را به معنای تقویت ارزش‌هایی چون اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در گستره فردی و اجتماعی، و اخلاق را به منزله پایبندی به فضائلی چون نیکوکاری، گذشت، یاری نیازمندان، راستگویی، شجاعت، فروتنی و اعتماد به نفس تعریف نموده‌اند. ایشان «شعور معنوی» و «وجدان اخلاقی» در جامعه را عاملی برای شکوفایی برکات گسترده می‌دانند و محقق شدن این آرمان را در گرو تلاش جهادی، برنامه‌ریزی دقیق و تعامل سازنده نهادهای حکومتی و آحاد مردم برمی‌شمارند. همچنین در ادامه، به کانون‌های ضد اخلاق و ضد معنویت در جوامع غربی به عنوان تهدیدی جدی اشاره کرده و مقابله عاقلانه و حساب شده با آن‌ها را ضروری دانسته‌اند. گفتنی است که رهنمودهای مقام معظم رهبری ریشه در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) دارد. از این رو، توجه به مفاهیم اخلاق و معنویت در شرایط کنونی، یک ضرورت اجتماعی انکارناپذیر است.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، صیانت از اخلاق عمومی و معنویت اجتماعی به عنوان بخشی از نظم عمومی و از مؤلفه‌های اساسی سلامت فرهنگی و اجتماعی جامعه، همواره مورد توجه قانونگذار و نهادهای قضائی بوده است. تصویب مقررات متعدد در حوزه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی، مقابله با اشاعه فساد و فحشا و برخورد با جریان‌ها و فعالیت‌های سازمان‌یافته مغایر با ارزش‌های اخلاقی و دینی، نشان‌دهنده آن است که نظام عدالت کیفری ایران، اخلاق و معنویت را صرفاً امری فردی تلقی نکرده، بلکه آن‌ها را دارای کارکرد اجتماعی و سزاوار حمایت قضائی می‌داند. با این حال، تحولات اجتماعی و فرهنگی سال‌های اخیر، کارآمدی سازوکارهای موجود در این حوزه را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. گسترش کانون‌های سازمان‌یافته ضد اخلاق و معنویت، به‌ویژه با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و رسانه‌ای، از مهم‌ترین این چالش‌ها به شمار می‌آید. فعالیت مراکز سازمان‌یافته فساد و فحشا، ترویج سبک‌های زندگی مغایر با اخلاق عمومی و ظهور فرقه‌ها و نحله‌های انحرافی با پوشش‌های شبه معنوی، بیانگر آن است که تهدیدهای فرهنگی نوپدید، از سطح تخلفات فردی فراتر رفته و در بسیاری موارد، ساختاریافته، هدفمند و دارای آثار گسترده اجتماعی شده‌اند. این وضعیت، نظام عدالت کیفری را با این مسئله اساسی روبه‌رو می‌سازد که ابزارها و شیوه‌های برخورد قضائی موجود تا چه میزان توان پاسخ‌گویی مؤثر به این پدیده‌ها را دارند. از یک سو، پراکندگی مقررات کیفری مرتبط با اخلاق عمومی و فقدان تعریف جامع و منسجم از مفاهیمی نظیر «اخلاق عمومی»، «عفت عمومی» و «کانون‌های ضد اخلاق و معنویت»، موجب ابهام در تفسیر قوانین و شکل‌گیری رویه‌های قضائی بعضاً ناهمگون شده است. این ابهام‌ها در عمل می‌تواند به صدور آرای متفاوت در پرونده‌های مشابه، کاهش پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات قضائی و تضعیف انسجام رویه

قضائی منجر شود. از سوی دیگر، برخوردهای صرفاً سلبی و فاقد تحلیل دقیق از ماهیت اجتماعی و سازمان‌یافته این کانون‌ها، از اثربخشی لازم برخوردار نیست. در این میان، دادگاه‌ها به‌عنوان رکن اساسی نظام عدالت کیفری، نقشی محوری در ایجاد توازن میان صیانت از اخلاق عمومی و معنویت اجتماعی از یک‌سو، و رعایت اصول دادرسی عادلانه و حقوق فردی از سوی دیگر، بر عهده دارند. دادگاه‌ها از طریق اعمال سیاست جنایی قضائی، تفسیر قوانین و شکل‌دهی به رویه قضائی، می‌توانند نقش مؤثری در پیشگیری، مهار و مقابله با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت ایفا کنند؛ اما تحقق این نقش، مستلزم وجود مبانی نظری روشن، سیاست جنایی منسجم و بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت‌های فقهی و حقوقی است. با وجود اهمیت این موضوع، بررسی‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود کمتر به‌صورت جامع و نظام‌مند به تحلیل هم‌زمان مبانی فقهی، قوانین موضوعه و رویه قضائی دادگاه‌ها در برخورد با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت پرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی، ضرورت واکاوی دقیق چگونگی مواجهه نظام عدالت کیفری، به‌ویژه دادگاه‌ها، با این پدیده‌ها و شناسایی چالش‌ها و ظرفیت‌های موجود را برجسته می‌سازد. براین اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که چگونگی برخورد قضائی با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در سطح رویه قضائی، چگونه است و چه نارسایی‌ها و ظرفیت‌هایی در این حوزه وجود دارد؟ پاسخ به این مسئله، مستلزم بررسی مبانی فقهی و حقوقی، تحلیل قوانین موضوعه و واکاوی رویه قضائی دادگاه‌هاست تا بتوان ضمن شناسایی چالش‌های موجود، راهکارهایی عملی برای ارتقای کارآمدی نظام عدالت کیفری در صیانت از اخلاق عمومی و معنویت اجتماعی ارائه نمود.

سؤالات پژوهش

- ۱- رویه قضائی دادگاه‌های ایران در برخورد با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت از چه مبانی فقهی و حقوقی تبعیت می‌کند و این رویه‌ها تا چه میزان از انسجام و کارآمدی برخوردارند؟
- ۲- چه چالش‌ها و کاستی‌هایی در فرایند رسیدگی قضائی به پرونده‌های مرتبط با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت وجود دارد و چگونه می‌توان با اصلاح سیاست جنایی قضائی، کارآمدی دادگاه‌ها را در صیانت از اخلاق عمومی و معنویت اجتماعی ارتقا داد؟

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی در حوزه اخلاق و معنویت با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی انجام شده است که هر یک از زاویه‌ای خاص به این موضوع پرداخته‌اند. با این حال، بررسی

این آثار نشان می‌دهد که تمرکز آن‌ها عمدتاً بر ابعاد نظری، قرآنی و حکمرانی اخلاقی بوده و کمتر به نقش نظام عدالت کیفری و رویه قضائی توجه شده است.

۱- کنگرانی فراهانی و سبجانی (۱۴۰۰)، در مقاله علمی پژوهشی «حکومت اسلامی، اخلاق و معنویت با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب»، با رویکردی تحلیلی به تبیین جایگاه اخلاق و معنویت در حکمرانی اسلامی پرداخته و بیانیه گام دوم را به عنوان سندی راهبردی در جهت نهادینه‌سازی اخلاق در ساختار حکومت معرفی کرده‌اند. تمرکز این پژوهش بیشتر بر مبانی نظری و اخلاق حکومتی است و وارد بررسی سازوکارهای حقوقی و قضائی نمی‌شود.

۲- چراغی (۱۴۰۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مستندات قرآنی و روایی اخلاق و معنویت در جامعه براساس بیانیه گام دوم انقلاب»، با روش توصیفی تحلیلی، به استخراج مبانی قرآنی و روایی اخلاق و معنویت پرداخته و نقش این مؤلفه‌ها را در تعالی جامعه اسلامی تبیین نموده است. این پژوهش، هرچند از حیث مبانی دینی غنی است، اما به ابعاد حقوقی، کیفری و قضائی موضوع ورود نکرده است.

۳- غلام‌زاده در رساله دکتری تخصصی با عنوان «الگوی زمینه‌سازی حاکمیتی ترویج اخلاق و معنویت در جامعه»، با رویکردی کلان و سیاست‌گذارانه، به طراحی الگوی حکمرانی اخلاقی پرداخته و نقش نهادهای حاکمیتی را در ترویج اخلاق و معنویت بررسی کرده است. تمرکز این پژوهش بر سیاست‌گذاری فرهنگی و اخلاقی است و نقش دادگاه‌ها و رویه قضائی در مقابله با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت به صورت مستقل مورد تحلیل قرار نگرفته است.

۴- پاکیزه در مقاله علمی پژوهشی «نقشه راه و مدل عملیاتی اخلاق و معنویت در گام دوم انقلاب اسلامی» به تحلیل و تبیین راهبردهای کلان و اصلی نظام اسلامی برای ارتقای معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی و راهبردهای فرعی ارتقای معنویت در جامعه پرداخته است؛ در این پژوهش هرچند الگوی عملی و شاخص‌سازی معنویت و اخلاق را در نظام اسلامی ارائه می‌دهد، لیکن به مباحث رویه قضائی مقابله با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت ورود نکرده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، توصیفی تحلیلی و از حیث هدف، کاربردی است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و با استفاده از منابع فقهی، قوانین موضوعه، اسناد بالادستی از جمله

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، و رویه‌های قضائی انجام شده است. تحلیل داده‌ها به شیوه تحلیل حقوقی و محتوایی صورت گرفته و تلاش شده است با تبیین مبانی فقهی و حقوقی، چالش‌ها و راهکارهای ارتقای برخورد قضائی با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت ارائه گردد.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. تعریف مفاهیم

۲-۱-۱. مفهوم اخلاق

واژه «اخلاق» در لغت، جمع «خُلُق» به معنای خوی، سرشت و عادت است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۹۳). این خصایل اخلاقی می‌توانند نیک یا ناپسند باشند. از دیدگاه علمی، اخلاق به عنوان «ملکه‌ای نفسانی» تعریف می‌شود که سبب می‌گردد افعالی خاص، بدون نیاز به تأمل و اندیشه، از فرد سر بزنند (طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۶۰)، تعاریف گوناگونی از اخلاق ارائه کرده‌اند. برخی اخلاق را «صفی پایداری در نفس» می‌دانند که موجب صدور رفتارهای متناسب با آن می‌گردد. برخی دیگر آن را معادل «فضائل اخلاقی» به کار می‌برند و در تقابل با ضد اخلاق قرار می‌دهند. در مفهوم گسترده‌تر، گاهی اخلاق به معنای «نظام اخلاقی حاکم بر زندگی» نیز به کار رفته است. با وجود تنوع تعاریف، می‌توان تعریفی جامع از دیدگاه اندیشمندان اسلامی ارائه داد. «اخلاق، کیفیتی نفسانی است که نمود آن در رفتار انسان آشکار می‌شود». براین اساس، اگر این کیفیت نیکو باشد، رفتارهای نیک پدید می‌آید و اگر ناپسند باشد، اعمال ناشایست بروز می‌کند. از این رو، اخلاق به دو شاخه «حسنه» فضائل و «رذیله» رذایل تقسیم می‌شود. این ویژگی می‌تواند به صورت عاداتی ناپایدار یا ملکه‌ای راسخ در وجود فرد تثبیت شود.

۲-۱-۲. مفهوم معنویت

«معنویت» واژه‌ای است که از صفت «معنوی» مشتق شده و به اموری مرتبط با «معنا» و «روح» اشاره دارد (دهخدا، ۱۳۸۶: ۴۸۸). این مفهوم در تقابل با امور مادی و ظاهری قرار می‌گیرد و به جنبه‌های حقیقی، باطنی و روحانی زندگی مربوط می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۵ ه. ق: ۶۶۵). معنویت را می‌توان به «درک و پیوند با امر معنایی فراتر از وجود مادی» تعریف کرد. این مفهوم در زندگی انسان، به دنبال یافتن «ارزش غایی» یا «هدف متعالی» است که به رنج‌ها و تلاش‌های زندگی معنا می‌بخشد. این ارزش برین، به فرد انرژی، پایداری و جهت می‌دهد و نیروهای فکری و روانی او را در مسیری واحد متمرکز می‌سازد. از این منظر، معنویت فرایندی است برای رهایی ذهن از ترس‌ها و محدودیت‌ها،

دستیابی به آرامش درونی و تجربه شکوفایی در زندگی روزمره. معنویت ذهن را فراتر از مرزهای مادی و نگرش‌های محدود گسترش می‌دهد و پرسش‌هایی بنیادین درباره‌ی ماهیت وجود و جهان مطرح می‌سازد. به طور خلاصه، معنویت با بعد روحانی انسان پیوند خورده و زندگی را در پرتو معنا و هدفی والا تفسیر می‌کند.

۲-۲. مبانی قرآنی اخلاق و معنویت (بنیان‌های وحیانی برای حیات فردی و اجتماعی)

قرآن کریم، به عنوان اساسی‌ترین منبع معرفتی اسلام، نه تنها شریعت و قانون، که طرحی جامع برای سامان‌دهی حیات فردی و اجتماعی انسان بر مبنای ارزش‌های متعالی ارائه می‌دهد. در این طرح، «اخلاق» و «معنویت» دو محور بنیادین و درهم‌تنیده‌ای هستند که از یک سو، مسیر کمال شخصی را روشن می‌سازند و از سوی دیگر، زیرساخت ضروری برای ایجاد جامعه‌ای سالم، منسجم و عدالت‌محور را فراهم می‌آورند. اخلاق، تجلی عینی ایمان و مبنای روابط اجتماعی در نگاه قرآنی، اخلاق صرفاً مجموع‌ای از آداب نیکو نیست، بلکه جلوه‌گاه عینی ایمان و معیار سنجش ارزش واقعی انسان است. قرآن کریم با عبارت^۱ «بی تردید گرمی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.» معیار برتری را به تقوای اخلاقی منتسب می‌کند. این تقوا در گرو تجلی فضایی چون راستگویی^۲ امانتداری^۳، وفای به عهد^۴ و عفو و گذشت^۵ در مناسبات انسانی است. پیامبر اکرم (ص) نیز رسالت خویش را «تکمیل مکارم اخلاق» معرفی می‌فرماید (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۶۷: ۳۷۲). بنابراین، اخلاق قرآن محور، سیستم کنترل درونی و ضامن اجرای عدالت و اعتماد در جامعه است. هرگونه تضعیف عمده‌ی این سیستم چنان که توسط کانون‌های سازمان‌یافته ضد اخلاق صورت می‌گیرد در واقع، تخریب زیرساخت‌های اعتماد و همبستگی اجتماعی است. معنویت، جوهره حیات و جهت‌دهنده به کنش انسان معنویت در قرآن، به معنای آگاهی و ارتباط با حقیقتی فراتر از جهان مادی است که به زندگی انسان «جهت» و «معنا» می‌بخشد. آیاتی که بر تفکر در آفرینش^۶، ذکر و

۱. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳)

۲. (التوبة/۱۱۹).

۳. (المؤمنون/۸).

۴. (المائدة/۱).

۵. (الشوری/۴۰).

۶. (آل عمران/۱۹۱).

عبادت^۱ و طلب قرب الهی^۲ تأکید می‌کنند، همگی بر این بعد اصیل دلالت دارند. معنویت اصیل قرآنی، انسان را از اسارت امیال نفسانی و مادیت صرف رها ساخته، او را به سوی هدفمندی، آرامش درونی^۳ و مسئولیت‌پذیری در قبال خود و جامعه سوق می‌دهد. این جهت‌گیری معنوی، لازمه تحقق اخلاق اجتماعی است؛ چرا که پایبندی به اخلاق در سخت‌ترین شرایط، اغلب نیازمند پشتوانه‌ای معنوی و اعتقاد به حساب‌رسانی اخروی است. در قرآن این دو مفهوم را مجزا نمی‌داند، بلکه آن‌ها را در یک دورانی عمیق به هم پیوند می‌زند. از یک سو، معنویتِ راستین، بی‌شک به بروز اخلاق نیک می‌انجامد: «یقیناً نماز از کارهای زشت، و کارهای ناپسند باز می‌دارد.»^۴ از سوی دیگر، رعایت اخلاق و انجام کار نیک، موجب افزایش حقیقت ایمان و معنویت می‌گردد.^۵ این پیوند دوطرفه نشان می‌دهد که تضعیف یکی، به سستی دیگری می‌انجامد. کانون‌های ضد معنویت با ایجاد شبهات اعتقادی و بی‌هویتی معنوی، در نهایت بنیان اخلاقی جامعه را سست می‌کنند. به همین ترتیب، کانون‌های ضد اخلاق با عادی‌سازی رذایل، حساسیت وجدانی و معنوی افراد را کاهش می‌دهند؛ تأکید قرآن بر اخلاق و معنویت به عنوان ارکان حیات طیبه فردی و اجتماعی، به روشنی نشان می‌دهد که هر جریان سازمان‌یافته‌ای که با تخریب برنامه‌ریزی‌شده این ارکان، «فساد فی الارض» ایجاد کند، در تعارضی اساسی با طرح الهی برای انسان و جامعه قرار دارد. از این منظر، مقابله قضائی با چنین کانون‌هایی، تنها یک اقدام انتظامی نیست، بلکه حرکتی در مسیر حفاظت از طرح انسان‌ساز قرآن و صیانت از شرایط لازم برای تحقق یک زندگی انسانی برخوردار از کرامت، امنیت روانی و تعالی جمعی است (چراغی، ۱۴۰۰: ۲۶).

۲-۳. منظومه تقنینی و سیاستی حاکم بر مقابله با کانون‌های ضدامنیت اخلاقی و معنوی در ایران

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با توجه به مبانی فقهی، ارزش‌های اسلامی و الزامات قانون اساسی، رویکردی فعال و پیشگیرانه در صیانت از اخلاق عمومی و معنویت اجتماعی اتخاذ کرده است. این رویکرد در قالب مجموعه‌ای از قوانین عادی، سیاست‌های کلی نظام و اسناد بالادستی

۱. (طه/۱۴).

۲. (الذاریات/۵۶).

۳. (الرعد/۲۸).

۴. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (العنکبوت/۴۵).

۵. «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر/۱۰).

تجلی یافته است. در این بخش از پژوهش، تحلیل نظام‌مند مهم‌ترین قوانین و مقرراتی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، به دستگاه قضائی و سایر نهادهای حاکمیتی، صلاحیت و تکلیف مقابله با کانون‌های سازمان‌یافته ضد اخلاق و معنویت را اعطا می‌کند. تمرکز اصلی بر قوانین کیفری است که هسته اصلی برخورد قضائی را تشکیل می‌دهند، اما برای ترسیم تصویری جامع، به سایر قوانین مکمل و سیاست‌های کلان نیز اشاره خواهد شد. تحلیل حاضر با ارجاع به مواد قانونی، بررسی دکترین حقوقی و در مواردی، اشاره به رویه قضائی مرتبط، صورت می‌پذیرد تا علاوه بر تبیین مبانی قانونی، چالش‌ها و نقاط قوت این چارچوب تقنینی نیز آشکار گردد. هسته مرکزی جرم‌انگاری قانون مجازات اسلامی، به‌ویژه کتاب پنجم آن تحت عنوان «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده»، مهم‌ترین متن قانونی برای مقابله با جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی محسوب می‌شود. این قانون با الهام از موازین فقهی، رفتارهای فردی و جمعی مغایر با اخلاق اسلامی را جرم‌انگاری کرده و ضمانت اجرای کیفری برای آن‌ها پیش‌بینی نموده است. قوانین و اسناد بالادستی در زمینه پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۲-۳-۱. قانون اساسی و اصول کلان حاکمیت (سنگ‌بنای مشروعیت)

قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی، اصول کلی حاکم بر مقابله با فساد اخلاقی را ترسیم کرده است. این قانون، فراتر از یک سند حقوقی عادی، بیانیه‌ای فلسفی حقوقی از هویت، غایت و ساختار حکمرانی در این نظام است. در مواجهه با پدیده‌ای چون کانون‌های سازمان‌یافته ضد اخلاق و معنویت، قانون اساسی هم منبع مشروعیت‌بخش برای مداخله حاکمیت است و هم چارچوب محدودکننده و جهت‌دهنده آن. این میثاق ملی، با نگاهی فراتر از نگهداشت نظم عمومی صرف، «اخلاق عمومی» و «معنویت اجتماعی» را به‌مثابه ارکان تشکیل‌دهنده نظم اساسی جامعه قلمداد کرده و حفاظت از آن‌ها را نه انتخابی سیاسی، که تکلیفی ساختاری بر دوش قوای حکومت، به‌ویژه قوه قضائیه نهاده است (حبیب‌نژاد، منصوری، ۱۳۹۸: ۶). اصل دوم به‌صراحت نظام را بر پایه «ایمان به خدا»، «اخلاق» و «ارزش‌های معنوی» بنا می‌نهد. این اصل، خاستگاه مشروعیت الهی مردمی نظام را به مفاهیمی اخلاقی و معنوی گره می‌زند. بنابراین، هرگونه تهدید سازمان‌یافته علیه این مبانی، درواقع تهدیدی علیه یکی از ارکان مشروعیت‌بخش نظام محسوب می‌شود. این نگاه، مقابله با چنین کانون‌هایی را از سطح «برخورد با تخلف اجتماعی» به سطح «صیانت از بنیادهای حاکمیت» ارتقا می‌دهد و پاسخ قضائی را ذیل یک دفاع ساختاری توجیه می‌نماید. در ادامه، اصل سوم با تبدیل این مبانی به برنامه عمل، دولت را مکلف می‌سازد تا تمامی امکانات خود را برای «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی» و «مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» به‌کار گیرد (روزبه، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

این فرمان، یک تکلیف ایجابی و فعال برای حاکمیت ایجاد می‌کند. حاکمیت نمی‌تواند در قبال گسترش شبکه‌های فساد یا تعمیق بی‌معنویی منفعل باشد؛ بلکه موظف است با تمام قوا، محیط و فضایی سالم بیافریند. این اصل، به‌وضوح سیاست جنایی پیشگیرانه و آگاهانه را توصیه و بر لزوم خنثی‌سازی بسترهای گسترش کانون‌های انحرافی تأکید دارد. اصل هشتم با معرفی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان «وظیفه‌ای عمومی و متقابل بین مردم و حکومت»، یک ساختار نظارتی دوسویه و مردمی را بر می‌سازد. این اصل، نقش مردم را از «موضوع منفعل قانون» به «شریک فعال حکومت در نظارت اخلاقی» تغییر می‌دهد. در مواجهه با کانون‌های پنهان‌کار ضد اخلاق، این شبکه مردمی می‌تواند به‌عنوان چشم‌وگوش بیدار جامعه عمل کند. از سوی دیگر، این اصل برای حاکمیت و به‌طور خاص قوه قضائیه تکلیفی مضاعف ایجاد می‌کند؛ از یک سو حمایت قانونی از آمران و ناهیان و از سوی دیگر، پاسخ‌گویی به مطالبات اخلاقی جامعه. این امر، مشروعیت مداخلات قضائی را از پشتوانه‌ای مردمی نیز برخوردار می‌سازد. درنهایت، اصل یکصد و پنجاه و ششم رسالت قوه قضائیه را «احیای حقوق عمومی» و «گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» می‌داند. «حقوق عمومی» در اینجا مفهومی گسترده دارد که حق جامعه در برخورداری از محیطی اخلاقی و معنوی را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین، دادگاه‌ها هنگام رسیدگی به جرائم کانون‌های ضد اخلاق، تنها در مقام مجازات فرد مجرم نیستند، بلکه در حال احیای حقی عمومی هستند که از سوی این کانون‌ها نقض شده است. این نگاه، به عملکرد قضائی عمق و غنای اجتماعی می‌بخشد. همچنین، تأکید هم‌زمان بر «عدل» و «آزادی‌های مشروع»، معادله دشوار این فصل را پیش روی قاضی قرار می‌دهد: تحقق عدالت از طریق صیانت از اخلاق عمومی، بدون تضییع آزادی‌های مشروع فردی. به‌طورکلی، این اصول چهارگانه باهم، یک هندسه حقوقی سیاسی منسجم را ترسیم می‌کنند؛ اصل دوم، فلسفه وجودی و جهت‌گیری نظام را تعیین می‌کند (اخلاق و معنویت به‌مثابه هدف). اصل سوم، تکلیف برنامه‌ریزی و اقدام ایجابی حکومت را مقرر می‌دارد (مبارزه با فساد به‌مثابه وظیفه). اصل هشتم، سازه مشارکت مردمی و نظارت دوسویه را ایجاد می‌کند (نظارت اخلاقی به‌مثابه حق و تکلیف همگانی). اصل ۱۵۶، رسالت، چارچوب و محدوده عمل قوه تخصصی مجری (قضائیه) را مشخص می‌سازد (احیای حقوق عمومی به‌مثابه مأموریت). این چارچوب، به روشنی نشان می‌دهد که برخورد قضائی با کانون‌های ضدامنیت اخلاقی، امری حادثه‌محور، سلیقه‌ای یا صرفاً انتظامی نیست، بلکه تجلی عینی و اجرایی‌شدن همان عهدنامه ملی (قانون اساسی) است که جامعه ایران برای حکمرانی بر خود برگزیده است. هر تحلیل از رویه قضائی در این حوزه، می‌بایست بر این سنگ‌بناهای مشروعیت‌بخش استوار گردد. بنابراین،

مداخله دولت و قوه قضائیه برای صیانت از آن، نه تنها مجاز، بلکه مکلف است. هرگونه سیاست‌گذاری یا اقدام قضائی در جهت مقابله با کانون‌های ضد اخلاق، باید ذیل این اهداف کلان قانون اساسی توجیه و ارزیابی شود (این اصول، چارچوبی برای تفسیر قوانین عادی (مانند مواد ۶۳۷ تا ۶۴۰) فراهم می‌آورد).

۲-۳-۲. قوانین کیفری ناظر بر مقابله با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت

ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد مرتکب روابط نامشروع یا اعمال منافی عفت غیر از زنا شوند، به شلاق تا (۹۹) ضربه محکوم می‌شوند...». باتوجه به عدم ارائه تعریف دقیق از جرایم منافی عفت مفهوم «رابطه» بسیار تفسیرپذیر بوده (کامفر، ۱۴۰۱: ۶۳۲). مبنای جرم‌انگاری رفتارهای خلاف عفت این ماده، سنگ بنای قانونی برای مقابله با «رفتارهای فردی» مغایر با عفت عمومی است. از منظر سیاست جنایی، این ماده بیشتر ناظر به تخلفات فردی است، اما می‌تواند در مواردی که اعمال فردی در چارچوب یک کانون یا گروه سازمان‌یافته انجام می‌پذیرد، به عنوان مبنای تعقیب اعضای آن کانون مورد استناد قرار گیرد (سلیمی، ۱۳۹۸: ۸۲). پل ارتباطی با کانون‌های سازمان‌یافته در جایی است که اگرچه ماده یادشده عمدتاً ناظر به رابطه دو فرد است، اما در رویه قضائی، در مواردی که چندین نفر در مکان‌های خاص (مانند مهمانی‌های مختلط سازمان‌یافته) مرتکب چنین اعمالی شوند، می‌تواند مبنای تعقیب جمعی و اثبات وجود یک «کانون» فساد قرار گیرد. به عبارتی، تعدد موارد اجرای این ماده در پرونده‌ای واحد، می‌تواند گزینه‌ای بر سازمان‌یافتگی فعالیت باشد.

ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، دارای دو بخش کلیدی است؛ اول «هرکس علناً در انظار و معابر عمومی تظاهر به عمل حرام نماید، علاوه بر کیفر عمل تا ۷۴ ضربه شلاق یا حبس از ده روز تا دو ماه محکوم می‌شود» و دوم، هرکس مرتکب فعلی شود که نوعاً موجب هتک عفت عمومی گردد، بدون اینکه منظور از آن قصد تحریک لذت جنسی یا تمایلات غیرطبیعی باشد، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد». ورود مفهوم فقهی «عامل حرام» در حقوق موضوعه به شکلی کلی و بدون تعیین مصادیق آن، زمینه را برای تفسیرهای موسع و زیان‌بار قضات از ماده مزبور فراهم می‌آورد (کامفر، ۱۴۰۱: ۶۳۴). ستون اصلی تحلیل مفهوم «اخلاق عمومی» این ماده با جرم‌انگاری «هتک عفت عمومی»، دامنه شمول اخلاق عمومی را فراتر از اعمال جنسی صرف گسترش داده و آن را به «هر فعلی که نوعاً موجب هتک عفت عمومی گردد» تعمیم داده است. این ابهام مفهومی، تعیین مصادیق «نوعاً هتک‌کننده» از یک سو چالشی برای وحدت رویه ایجاد کرده و از سوی

دیگر، به قضات اجازه تفسیر موسع و انعطاف‌پذیری در برابر اشکال نوین هتک عفت مانند برخی پویش‌های شبکه‌های اجتماعی داده است (هاشمی، ۱۳۹۷: ۶۰). تبصره الحاقی این ماده (مصوب ۱۳۷۵) مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا درجه هشت محکوم می‌گردند...». این تبصره که در اصل در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده بود، مسئله «بدحجابی» را از حوزه صرفاً امر به معروف و نهی از منکر خارج و وارد حوزه جرائم تعزیری با ضمانت اجرای مشخص نمود. تغییرات بعدی در این تبصره (از جمله براساس مصوبات هیئت وزیران در سال‌های بعد، نظیر مصوبه ۱۴۰۳) صرفاً ناظر به تعدیل و به‌روزرسانی مبالغ جزای نقدی بوده و ماهیت و ساختار اصلی حکم تغییری نیافته است. این تغییرات مالی، هرچند از جهت تناسب با نرخ تورم حائز اهمیت است، اما خلأهای محتوایی و تفسیری تبصره مذکور را که در طول سال‌ها محل بحث بوده است، مرتفع نساخته است.

این ماده، پل حقوقی بین رفتار ماده ۶۳۹ و ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی را به‌طور خاص در «فضای سایبر» جاری می‌سازد. سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی دامنه شمول را بسیار گسترده می‌کند. در ماده ۶۳۹ قانون مجازات، که اصلی‌ترین ماده برای مقابله با کانون‌های سازمان‌یافته است، مقرر می‌دارد: «هرکس مرتکب هر یک از اعمال زیر شود به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌گردد: دایر یا اداره کردن مرکز فساد یا فحشا، به‌هرنحو، افراد را به فساد یا فحشا تشویق یا تحریک یا راهنمایی کند، موجبات فساد یا فحشا را فراهم آورد». در تبصره ماده مزبور، در صورتی که مرتکب، وسیله ارتکاب جرم را نیز تهیه کرده باشد یا از طریق حيله یا تقلب مرتکب جرم شده باشد یا اعمال مذکور را به‌صورت سازمان‌یافته انجام دهد، دادگاه می‌تواند مجازات وی را تا حد اکثر مجازات مقرر افزایش دهد». این ماده به‌وضوح نهادهای سازمان‌یافته ضد اخلاق «مرکز فساد یا فحشا» و نیز فعالیت‌های سازمان‌یافته «به‌صورت سازمان‌یافته انجام دهد» را هدف گرفته است. مفهوم «مرکز» می‌تواند شامل مکان‌های فیزیکی (مانند کاباره‌های غیرقانونی، مراکز فالگیری با فعالیت‌های انحرافی) و نیز شبکه‌های مجازی باشد که به‌طور منسجم به ترویج فساد می‌پردازند. فساد و فحشا در ماده فوق صرفاً ناظر بر زنا و لواط نیست و شامل کلیه جرایم منافی عفت اعم از حدی و تعزیری می‌شود (کامفر، ۱۴۰۱: ۶۳۵).

بندهای ۲ و ۳ این ماده، دامنه شمول را فراتر از مدیران مراکز گسترش داده و شامل «تشویق‌کنندگان»، «تحریک‌کنندگان»، «راهنمایان» و «فراهم‌آوردندگان موجبات» می‌کند. این امر، امکان تعقیب اعضای مؤثر یک کانون، حتی بدون اثبات مدیریت مستقیم را فراهم می‌آورد. برای مثال، مدیران کانال‌های تلگرامی یا صفحات اینستاگرامی که به‌طور سازمان‌یافته به تشویق رابطه نامشروع یا ترویج سبک زندگی

منحط می‌پردازند، قابل تعقیب تحت این ماده هستند. تبصره این ماده به صراحت، صورت سازمان‌یافته انجام‌دادن را یکی از عوامل مشدده مجازات معرفی می‌کند. این تأکید قانونگذار، نشان‌دهنده حساسیت نظام حقوقی بر مقابله با شکل‌های جمعی و برنامه‌ریزی‌شده تخلف اخلاقی است.

ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی، مقرر می‌دارد: «هر کس به قصد افساد یا ترویج فحشا یا ارتکاب اعمال منافی عفت، نوشته یا طرح، گراور، تصویر، مطبوعات، اعلان، علائم، فیلم، نوار، سینما یا به‌طور کلی هر چیز که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، تهیه، تولید، تکثیر، توزیع، معامله، به‌فروش رساند، حمل یا نگهداری کند، به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق و یا به یکی از آن‌ها محکوم می‌شود...» این ماده، اصلی‌ترین سلاح قانونی برای مقابله با «اشاعه سازمان‌یافته» فساد از طریق تولید و توزیع محتوا است. در عصر دیجیتال، این ماده بیش از هر زمان دیگری کاربرد دارد و شامل تولیدکنندگان، بازنشرکنندگان و حتی در مواردی مصرف‌کنندگان فعال محتوای مستهجن در شبکه‌های اجتماعی می‌شود. کانون‌های ضد اخلاق اغلب از طریق تولید و انتشار محتوای هدفمند (فیلم، عکس، متن) به دنبال عادی‌سازی بی‌اخلاقی و تضعیف معنویت هستند. ماده ۶۴۰ به دادگاه‌ها این امکان را می‌دهد که با کلیه حلقه‌های زنجیره تولید تا توزیع این محتواها، اعم از حقیقی یا حقوقی (مانند یک سایت یا کانال)، برخورد کیفری نماید. مانند ماده ۶۳۸، مفهوم «جریحه‌دارکردن عفت عمومی» در این ماده نیز نیازمند تفسیر قضائی است. دادگاه‌ها باید با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان، مشخص کنند که یک محتوای خاص آیا «نوعاً» عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند یا خیر. این امر گاهی منجر به اختلاف آراء شده است (قدسی؛ بی‌نیاز، ۱۳۹۰: ۱۴۲). لازم به ذکر است مهم‌ترین ماده قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶ در حوزه جرایم صوتی و تصویری، ماده ۳ است که تولید، توزیع، تکثیر و حتی نگهداری آثار سمعی و بصری غیرمجاز (مبتذل و مستهجن) را جرم‌انگاری کرده و مرتکبان را اعم از دارای مجوز یا فاقد مجوز حسب مورد به مجازات محکوم می‌کند. در مقابل، ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ یک قانون عام است و کلیه اعمال و اشیا را که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌کنند (از جمله آثار صوتی و تصویری) در صورتی جرم می‌داند که به قصد تجارت یا در معرض انظار عمومی قرارگرفتن انجام شوند. در نگاه اول، بین دو قانون تعارض دیده می‌شود؛ چون ماده ۶۴۰ نگهداری آثار مبتذل را جرم نمی‌داند، اما تبصره ۲ بند «ب» ماده ۳ قانون ۱۳۸۶، نگهداری را قابل مجازات می‌داند تحلیل درست این است که قانون ۱۳۸۶ به‌عنوان قانون خاص، ماده ۶۴۰ را در حوزه آثار سمعی و

بصری تخصیص می‌زند؛ بنابراین تعارض واقعی وجود ندارد، بلکه تخصیص و تفکیک حوزه اجرا داریم (قدسی، بی‌نیاز، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۴۴).

با گسترش فناوری اطلاعات، بستر جدیدی برای فعالیت کانون‌های ضد اخلاق فراهم شد. قانون جرائم رایانه‌ای به منظور مقابله با سوءاستفاده از این بستر تصویب شد. ماده ۱۴ قانون مزبور اشعار داشته: «هرکس به قصد افساد یا ترویج فحشا یا ارتکاب اعمال منافی عفت، از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی محتوای مستهجن منتشر یا توزیع یا معامله کند یا به قصد دسترسی افراد به آن، فعالیت کند... به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». در تبصره سوم این ماده آمده، در صورتی که مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا به‌طور سازمان‌یافته مرتکب شود چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد. این ماده، مفاد مواد بر صیانت از اخلاق و معنویت تأکید دارد. تعادل میان «صیانت از اخلاق عمومی» و «رعایت حریم خصوصی و آزادی‌های مشروع» یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های پیش روی رویه قضائی است. به‌طورکلی، نظام تقنینی ایران ابزارهای قانونی لازم را برای برخورد قضائی با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت فراهم کرده است، اما کارآمدی این ابزارها در گرو تفسیر منسجم، اجرای عادلانه و پشتیبانی از سیاست‌های پیشگیرانه هوشمندانه است.

قانون مبارزه با قاچاق انسان ۱۳۸۳ نیز، در مواد ۲^۱، ۳ و ۶ این قانون در مواردی که کانون‌های فساد به بهره‌کشی جنسی و قاچاق انسان برای اهداف فحشا می‌پردازند، قابل اعمال است و مجازات‌های شدیدی را پیش‌بینی می‌کند. اشاره خاص به محتوای مرتبط با افراد زیر ۱۸ سال، جنبه حمایتی این قانون را تقویت کرده و برخورد با کانون‌هایی که هدف خود را قشر جوان قرار می‌دهند، تشدید می‌کند.

۲-۳-۳. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ (پشتوانه حقوقی مشارکت عمومی)

این قانون که مبتنی بر یک فریضه دینی است، با هدف سامان‌دهی و حمایت از مشارکت مردمی در صیانت از ارزش‌ها تصویب شد. ماده ۱ قانون مذکور، امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان «وظیفه شرعی و حق قانونی آحاد مردم، نهادهای عمومی و حاکمیت» تعریف می‌کند. در ماده ۸ مقرر

۱. بند «ج» ماده مزبور «عبور دادن خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت، حمل یا انتقال غیر مجاز افراد به قصد فحشاء هر چند با رضایت آنان باشد».

می‌دارد: «مأموران انتظامی و دستگاه‌های قضائی موظفند از افراد در اجرای امر به معروف و نهی از منکر در چارچوب قانون حمایت نمایند.» در ماده ۱۶ این قانون، دستگاه قضائی را مکلف به «حمایت قضائی و پیگیری سریع و مؤثر» تخلفات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. به‌طور کلی این قانون، پل مستقیمی بین مبانی دینی ذکر شده (اصل امر به معروف و نهی از منکر) و نظام حقوقی عادی ایجاد می‌کند. این امر به اقدامات قضائی در حوزه اخلاق عمومی، مشروعیت مضاعف (هم قانونی و هم شرعی) می‌بخشد.

۲-۳-۴. قوانین مرتبط با مقابله با فرقه‌ها، نحله‌های انحرافی و کانون‌های سازمان‌یافته

ضد معنویت

کانون‌های ضد معنویت، که عمدتاً در قالب فرقه‌ها^۱ نحله‌های انحرافی، و گروه‌های سازمان‌یافته ضد دین فعالیت می‌کنند، تهدیدی چندلایه علیه معنویت اجتماعی، انسجام ملی و امنیت فرهنگی محسوب می‌شوند. این گروه‌ها، برخلاف کانون‌های صرفاً ضد اخلاق (مانند مراکز فساد)، با ارائه تفسیرهای مغایر با آموزه‌های اصیل دینی، ایجاد شبکه‌های وفاداری موازی، و گاه با ادعاهای عرفانی کاذب، به تضعیف بنیان‌های اعتقادی جامعه می‌پردازند. نظام حقوقی ایران با درک این خطر، در چارچوب قوانین مختلف به مقابله با این پدیده پرداخته است.

متعاقب گسترش فعالیت فرقه‌های انحرافی و کانون‌های ضد معنویت در فضای مجازی، قانونگذار در قالب مواد الحاقی به قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۹۹، اقدام به جرم‌انگاری برخی مصادیق نوپدید نمود. با این حال، این الحاقات نیز خالی از ابهام نبوده و چالش‌های تازه‌ای را پدید آورده‌اند که در رویه قضائی بازتاب یافته است. ماده ۴۹۹ مکرر^۲ که به جرائم علیث (نوعی انحراف جنسی) در فضای مجازی اختصاص یافته، اگرچه گامی در جهت شفاف‌سازی است، اما همچنان با ابهام در تشخیص مصادیق «محتوای مستهجن» و «مبتذل» مواجه است. این ابهام، دادگاه‌ها را در مرزبانی بین «آزادی‌های مشروع ارتباطی» و «نقض عفت عمومی» با دشواری روبه‌رو کرده است. ماده ۵۰۰ مکرر که به «تشکیل، اداره یا عضویت در دسته، جمعیت یا گروه‌های مغایر با شئون اسلام و امنیت عمومی

1. (Cults.)

۲. ماده ۴۹۹ مکرر (الحاقی ۱۳۹۹/۱۰/۲۴) - هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود.

در فضای مجازی» می‌پردازد، اگرچه مکمل مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون تعزیرات است، اما دو آسیب عمده به همراه داشته است: نخست، هم‌پوشانی معنایی با مواد پیشین و عدم تعریف دقیق «گروه مغایر با شئون اسلام» که تمایز آن از «فرقه انحرافی» (موضوع ماده ۴۹۹) را مبهم ساخته است. این ابهام، تشخیص «فعالیت مجرمانه» از «عقیده صرف» را برای قضات دشوار می‌سازد. دوم، خلط بین «نقد عقیدتی» و «فعالیت مجرمانه سازمان‌یافته». این ابهام، در برخی موارد منجر به صدور آرای متفاوت در پرونده‌های مشابه (به‌ویژه در مورد فعالیت‌های مجازی گروه‌های عرفانی نوظهور) شده است. بدین ترتیب، اگرچه این الحاقات نشان‌دهنده حساسیت قانونگذار نسبت به پدیده‌های نوپدید است، اما فقدان تعاریف شفاف از مفاهیمی چون «فرقه»، «گروه مغایر با شئون اسلام» و «محتوای مخل امنیت عمومی»، همچنان به‌عنوان یک چالش اساسی، وحدت‌رویه قضائی را با آسیب مواجه ساخته و قضات را در تفسیر این مفاهیم با دشواری روبه‌رو کرده است. به‌عبارت دیگر، قانونگذار صرفاً به توسعه دامنه شمول قوانین پرداخته، اما از شفاف‌سازی مفهومی غفلت ورزیده است.

اما سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری و تصمیمات شورای عالی امنیت ملی، چارچوب مقابله با این پدیده را ترسیم کرده‌اند. دستگاه قضائی و امنیتی، فعالیت‌های فرقه‌های انحرافی را عمدتاً ذیل عناوین کیفری از جمله اخلال در امنیت روانی جامعه، فعالیت‌های فرقه‌هایی که با شستشوی مغزی، ایجاد ترس یا ایجاد تعارض اعتقادی شدید در میان اعضا، باعث سلب آرامش و اختلال در نظم عمومی می‌شوند. توهین به مذاهب رسمی کشور، مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی، مذهب رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است. تبلیغ برای فرقه‌هایی که به‌طور نظام‌مند به تخطئه این مذهب می‌پردازند، می‌تواند به‌عنوان اقدام علیه نظم عمومی تلقی گردد. روی برخورد با فرقه‌های انحرافی غالباً در مرز بین امنیت ملی و امنیت فرهنگی قرار دارد. این گروه‌ها با ایجاد وفاداری به رهبر فرقه و قطع ارتباط اعضا با خانواده و جامعه، انسجام اجتماعی را تهدید می‌کنند. بنابراین، نهادهای امنیتی و اطلاعاتی نیز در شناسایی و مقابله با این گروه‌ها نقش محوری دارند و همکاری نزدیکی با دستگاه قضائی برقرار می‌کنند. اهمیت پیشگیری و آگاه‌سازی، رویه قضائی و تقنینی نشان می‌دهد که مقابله با فرقه‌ها صرفاً با برخورد کیفری محض ممکن نیست.

۲-۴. سیاست‌های کلی ابلاغی مقام رهبری در حوزه اخلاق، معنویت و مقابله با کانون‌های

انحرافی

مقام معظم رهبری به‌عنوان رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران، در راستای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و صیانت از هویت دینی و اخلاقی جامعه، سیاست‌های کلی متعددی را در حوزه‌های فرهنگی،

اجتماعی و قضائی ابلاغ نموده‌اند. این سیاست‌ها که مبتنی بر اصول قانون اساسی و مبانی فقهی هستند، به‌عنوان اسناد بالادستی و جهت‌دهنده، چارچوب کلان حرکت تمام قوا و نهادهای حاکمیتی، ازجمله قوه قضائیه را در مواجهه با چالش‌هایی همچون کانون‌های سازمان‌یافته ضد اخلاق و معنویت تعیین می‌کنند. مهم‌ترین این سیاست‌ها و دلالت‌های آن‌ها برای موضوع پژوهش حاضر عبارتند از:

الف. سیاست‌های کلی فرهنگ (ابلاغ‌شده در ۱۳۹۴)

این سند که جامع‌ترین سیاست کلان در عرصه فرهنگ محسوب می‌شود، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر مقابله با ناهنجاری‌های اخلاقی تأکید دارد. تأکید بر تقویت فضایل اخلاقی در بندهای مختلف بر «ترویج و تعمیق ارزش‌ها و فضائل اخلاقی مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی»، «تقویت روحیه معنویت و اخلاق‌گرایی» و «مقابله با تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی» تأکید شده است. این تأکیدات، مأموریت حاکمیت در صیانت فعال از اخلاق عمومی را تبیین می‌کند. به‌صراحت بر مبارزه با مظاهر فساد و فحشا و خلأهای اخلاقی و فرهنگی اشاره شده که می‌تواند توجیه‌گر سیاست جنایی قضائی فعال در برخورد با مراکز سازمان‌یافته فساد باشد. نقش‌آفرینی رسانه و فضای مجازی بر ایجاد فضای سالم در محیط‌های مجازی و کنترل و نظارت بر محصولات فرهنگی ورودی تأکید دارد که مستقیماً به فعالیت کانون‌های ضد اخلاق در فضای سایبر مرتبط است.

ب. سیاست‌های کلی خانواده (ابلاغ‌شده در ۱۳۹۵)

تحکیم نهاد خانواده به‌عنوان کانون اصلی تربیت اخلاقی و معنوی، از کلیدی‌ترین راهبردهای مقابله با انحرافات اجتماعی است. بر «استحکام و صیانت از نهاد خانواده» و «پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی علیه خانواده» تأکید شده است. فعالیت‌های کانون‌هایی که با ترویج سبک زندگی مغایر با اخلاق، بنیان خانواده را تهدید می‌کنند، در تقابل مستقیم با این سیاست قرار می‌گیرند. به‌طورخاص بر فرهنگ‌سازی و تقویت تعاملات اخلاقی؛ مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع و زدودن آسیب‌ها و چالش‌های تحکیم خانواده، ممنوعیت نشر برنامه‌های مخل ارزش‌های خانواده و ... تأکید شده است که تکلیف دستگاه‌های قضائی و فرهنگی در برخورد با جریان‌های سازمان‌یافته ترویج سبک زندگی منحط مشخص می‌سازد.

پ. سیاست‌های کلی فضای مجازی (ابلاغ‌شده در ۱۳۸۹)

باتوجه به تبدیل فضای مجازی به عرصه اصلی فعالیت کانون‌های ضد اخلاق و معنویت، این سند از اهمیت راهبردی برخوردار است. ایجاد فضای سالم و ایمن: بر «فراهم آوردن فضای سالم و مطمئن» و «مقابله با جرائم و تخلفات در فضای مجازی» تأکید شده است. این امر تکلیف قوه قضائیه و

نهادهای امنیتی را در رصد، شناسایی و برخورد با شبکه‌های مجازی سازمان‌یافته ضد اخلاق تشدید می‌کند. مقابله با محتوای مخرب، صراحتاً به «مقابله با محتوای خلاف عفت عمومی، محتوای الحادی و ضد دینی» اشاره دارد که پشتوانه محکمی برای اجرای قوانینی مانند ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی و قانون جرائم رایانه‌ای فراهم می‌آورد.

ت. سیاست‌های کلی قضائی (ابلاغ‌شده در ۱۳۸۱)

این سیاست‌ها اگرچه پیش‌تر ابلاغ شده‌اند، اما اصول کلان حاکم بر عملکرد قوه قضائیه را ترسیم می‌کنند. تأمین امنیت قضائی و اجتماعی: بر «تأمین و تضمین امنیت قضائی و اجتماعی شهروندان» و «مبارزه با فساد» تأکید دارد. امنیت اخلاقی و معنوی به‌عنوان بخشی از امنیت اجتماعی، در ذیل این سیاست جای می‌گیرد. اصلاح رویه‌ها و سرعت در دادرسی، توجه به «دسترسی عادلانه به عدالت» و «کاهش اطاله دادرسی» می‌تواند در مورد رسیدگی به پرونده‌های پیچیده و سازمان‌یافته ضد اخلاق، راهگشای بهبود کارآمدی قضائی باشد.

ث. سیاست‌های کلی جمعیت (ابلاغ‌شده در ۱۳۹۳)

در این سند بر «ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی» به‌عنوان بستر افزایش جمعیت تأکید شده است. از آنجا که سبک زندگی مبتنی بر اخلاق و معنویت رکن اصلی چنین الگویی است، فعالیت‌های قانون‌های ضد اخلاق که به ترویج سبک زندگی لیبرال سکولار می‌پردازند، مخل این سیاست کلان تلقی می‌شوند.

ج. سیاست‌های کلی سلامت (ابلاغ‌شده در ۱۳۹۳)

با تعریف «سلامت» در ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی، بر «ارتقای سلامت معنوی و اخلاقی جامعه» تأکید شده است. این نگاه، تضعیف معنویت و اخلاق توسط کانون‌های سازمان‌یافته را معادل تهدید سلامت عمومی قلمداد می‌کند و لزوم مقابله نظام‌مند را گوشزد می‌نماید.

به‌طورکلی، نقش سیاست‌های کلی ابلاغی مقام رهبری، در مقام تعیین‌کننده غایت و جهت کلان نظام، دارای چند کارکرد عمده در حوزه مقابله با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت هستند اولاً: برای تمام قوا به‌ویژه قوه قضائیه، تکلیف روشنی برای اولویت‌دهی به صیانت از اخلاق و معنویت به‌عنوان بخشی از امنیت ملی و فرهنگی ایجاد می‌کنند. ثانیاً: به اقدامات دستگاه قضائی در تفسیر قوانین (مانند تفسیر موسع از مرکز فساد) و حتی پیشنهاد اصلاح قوانین، مشروعیت و پشتوانه سیاستی می‌بخشند. ثالثاً: با تأکید بر ابعاد فرهنگی، اجتماعی، رسانه‌ای و امنیتی موضوع، لزوم همکاری قوه قضائیه با نهادهایی مانند وزارت فرهنگ، نیروی انتظامی، سپاه و سازمان فضای مجازی و... را خاطر نشان

می‌سازند و در نهایت تقریباً در تمام اسناد، بر آموزش، فرهنگ‌سازی، تقویت نهاد خانواده و دینداری به‌عنوان راهکارهای پایه‌ای و پیشگیرانه تأکید شده است. این امر به قوه قضائیه یادآوری می‌کند که برخورد کیفری صرف، کافی نیست و باید در چارچوب یک برنامه کلان فرهنگی اجتماعی قرار گیرد. در نتیجه، این سیاست‌های کلی نه تنها به‌عنوان پشتوانه و توجیه‌گر اقدامات تقنینی و قضائی موجود عمل می‌کنند، بلکه چارچوبی برای گذار از برخوردهای انفعالی و پراکنده به یک استراتژی منسجم، هوشمند و چندوجهی در مقابله با تهدیدات سازمان‌یافته علیه اخلاق و معنویت جامعه ایران ارائه می‌دهند.

۲-۵. بیانیه گام دوم انقلاب، چارچوب راهبردی و محرک تقنینی قضائی در صیانت از اخلاق و معنویت

بیانیه گام دوم انقلاب، صادرشده در سال ۱۳۹۷ به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، صرفاً یک مرور تاریخی یا بیانیه‌ای تشریفاتی نیست. این سند، سندی فراقوه‌ای، راهبردی و آینده‌نگر است که «خط‌مشی کلان نظام» را برای «گام دوم انقلاب» ترسیم می‌کند. در این میان، محور «اخلاق و معنویت» به‌عنوان «اساس پیشرفت» و «مایه قوام زندگی فردی و اجتماعی» معرفی شده است. این جایگاه بی‌بدیل، بیانیه را به کلید تفسیری و جهت‌دهنده اصلی برای تمامی سیاست‌ها، قوانین و اقدامات نظام، به‌ویژه در حوزه مقابله با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت، تبدیل می‌سازد. این بیانیه نشان می‌دهد که چگونه یک سند فراحقوقی، به مبنای مشروعیت‌بخش و تکلیف‌آفرین برای اقدامات تقنینی و قضائی بدل می‌شود. تقدم اخلاق و معنویت به‌عنوان زیرساخت تمدن‌ساز برشمرده شده در حقیقت، بیانیه گام دوم با صراحت، «اخلاق و معنویت» را از حاشیه به متن مدیریت کلان کشور می‌آورد. تأکید بر اینکه «پیشرفت واقعی» و «تداوم حرکت انقلاب» در گرو تقویت این دو رکن است: یک تغییر پارادایم در حکمرانی محسوب می‌شود. در این نگاه، توسعه اقتصادی، علمی یا سیاسی اگر بر بستی فاقد «وجدان اخلاقی» و «شعور معنوی» استوار شود، نه تنها پایدار نیست، بلکه می‌تواند به انحطاط بینجامد. بنابراین، مقابله با کانون‌هایی که فعالانه این بستر را تخریب می‌کنند، تنها یک «برخورد انتظامی با جرم» نیست؛ بلکه یک مأموریت تمدنی و ضرورت استراتژیک برای حفظ مسیر کلی نظام است. این نگرش، به اقدامات قضائی در این حوزه عمق و غنای مفهومی می‌بخشد و آن را از سطح برخورد با «تخلف» به سطح «صیانت از پروژه تمدن‌سازی اسلامی» ارتقا می‌دهد. الزام‌آورسازی نقش نهادهای حاکمیتی مهم‌ترین دلالت حقوقی بیانیه برای موضوع این پژوهش، تغییر گفتمان از «توصیه اخلاقی» به «تکلیف حاکمیتی» است. هنگامی که رهبر نظام در بالاترین سند

راهبردی، «تقویت معنویت و اخلاق» و «مقابله با کانون‌های ضد اخلاق» را به عنوان محور کار قرار می‌دهد، این مفاهیم برای تمام قوا و نهادهای زیرمجموعه به ویژه قوه قضائیه و نیروی انتظامی حالت وظیفه و تکلیف قانونی و شرعی می‌یابد. این امر به طور مشخص بر چند حوزه تأثیر می‌گذارد، بیانیه، نقش دستگاه قضائی را در این عرصه «برجسته» می‌سازد. این به معنای آن است که قضات نمی‌توانند با استناد به «جنبه شخصی» یا «حفظ حریم خصوصی» صرف، از رسیدگی به جرائم سازمان یافته اخلاقی که بنیان‌های اجتماعی را می‌ساید، طفره روند. بلکه موظف به تفسیر قوانین (مانند مواد ۶۳۷ تا ۶۴۰) در پرتو این مأموریت راهبردی و اتخاذ رویه‌های قضائی فعال و هوشمند هستند. صدور آرای تشدیدکننده برای فعالیت‌های «سازمان یافته» (تبصره ماده ۶۳۹) یا تفسیر موسع از «هتک عفت عمومی» (ماده ۶۳۸) در فضای مجازی، ذیل این تکلیف قابل توجیه و تحلیل است؛ مضافاً، پلیس نه به عنوان نهادی صرفاً واکنشی، بلکه به عنوان بازوی اجرایی و پیش‌گیرنده این راهبرد کلان موظف است. این امر، مأموریت پلیس در کشف، گزارش و انهدام کانون‌های فساد و همچنین نظارت بر اماکن عمومی و فضای مجازی را در چارچوب یک «مأموریت ملی» قرار می‌دهد و همکاری آن با دستگاه قضائی را از سطح همکاری مقطعی به همکاری استراتژیک ارتقا می‌بخشد. بیانیه با تأکید بر «حرکت‌های عمومی در جهت اخلاق»، پل مستحکمی بین حاکمیت و مردم در این عرصه ایجاد می‌کند. این نگاه، سازوکارهای مردمی مانند امر به معروف و نهی از منکر (که در قانون حمایت از آمران و ناهیان نیز تصریح شده) را از حالت فردی خارج کرده و به آن وظیفه‌ای اجتماعی و پشتیبانی شده توسط نظام قضائی می‌بخشد. گزارش‌های مردمی از کانون‌های فساد، در این چارچوب نه «وشایت»، که اقدامی همسو با منویات عالی نظام قلمداد می‌شود. این موضوع به دستگاه قضائی مشروعیت و پشتوانه اجتماعی برای مداخلات خود می‌دهد، به ویژه در موارد حساسی که ممکن است مرز میان حریم خصوصی و حق عمومی جامعه مبهم باشد. راهبرد کلان برای رویه قضائی بیانیه به صراحت از «مقابله هوشمندانه و معقول با کانون‌های ضد اخلاق» سخن می‌گوید. این ترکیب کلیدی، چهارچوب ارزیابی کیفیت عملکرد قضائی را ارائه می‌دهد. هوشمندانه: به معنای بهره‌گیری از روش‌های نوین شناسایی (مانند پایش فضای مجازی)، تفکیک بین سطوح مختلف تهدید، اولویت‌بندی اهداف، اجتناب از برخورد های کلیشه‌ای و غیر مؤثر، و استفاده از ظرفیت‌های فناورانه در جمع‌آوری ادله است. یک رأی قضائی هوشمندانه، رأیی است که بتواند ساختار و شبکه یک کانون را درک کند و به جای اعضای سطح پایین، سرشاخه‌ها را هدف گیرد.

معقول: به معنای رعایت تناسب، اعتدال و انصاف در برخورد است. این مفهوم، سدی در برابر افراط‌گرایی قضائی ایجاد می‌کند. برخورد معقول، تمایز قاطعی بین «فعالیت سازمان‌یافته معاند» و «عقیده یا سبک زندگی متفاوت فاقد قصد تخریب سیستماتیک» قائل می‌شود (همان‌گونه که در آرای دیوان عالی کشور در مورد برخی فرقه‌ها مشاهده شد). همچنین، رعایت دقیق «آیین‌های دادرسی عادلانه» و «حقوق دفاعی متهم» حتی در مورد این جرائم، ذیل همین مفهوم «معقول‌بودن» قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که بیانیه گام دوم منبعی برای تفسیر قوانین موجود و توجیه‌گر تصویب قوانین جدید است. هنگامی که در قانونی مانند ماده ۶۳۸ عبارت «هر فعلی که نوعاً موجب هتک عفت عمومی گردد» وجود دارد، این بیانیه به قاضی جهت می‌دهد که مصادیق «نوپدید» در فضای مجازی را که ممکن است در زمان تصویب قانون متصور نبوده با عطف به هدف کلان نظام از صیانت از عفت عمومی تفسیر کند. همچنین، اگر خلأ قانونی در برخورد با شکل جدیدی از فعالیت‌های ضد معنویت احساس شود، این بیانیه ضرورت و فوریت تقنین را برای مجلس شورای اسلامی ایجاد می‌کند.

۲-۶. تحلیل رویه قضائی مبتنی بر آرای منتخب قضائی

برای تبیین عینی نحوه اجرا و تفسیر قوانین مرتبط با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت در محاکم قضائی، بررسی آرای صادره ضروری است. در این بخش، چند رأی مهم که از سامانه ملی آرای قضائی استخراج شده و ناظر به دو حوزه اصلی مقاله است، مورد تحلیل محتوایی قرار می‌گیرد. این آراء، مصادیقی ملموس از چالش‌های تفسیری، تعامل مواد قانونی و رویه‌های عملی دادگاه‌ها را در برخورد با کانون‌های سازمان‌یافته ارائه می‌دهند.

۱-۶-۱. تحلیل آرای مرتبط با کانون‌های سازمان‌یافته ضد اخلاق

تمرکز بر تفسیر «مرکز فساد» و «فعالیت سازمان‌یافته» این دسته از آراء عمدتاً حول ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی و در کنار آن مواد ۶۳۷، ۶۴۰ و قانون جرائم رایانه‌ای می‌چرخند. نکته محوری در این آراء، تفسیر قضائی از مفهوم «مرکز فساد»، «دایر یا اداره کردن» و به‌ویژه «صورت سازمان‌یافته» است. مطالعه موردی و نکات کلیدی پرونده ۱ (م.ف.) و تفاسیر متضاد از «مرکز فساد» متهم به اتهام دایرکردن مرکز فساد از طریق برگزاری پارتی‌های مختلط و انتشار محتوای مستهجن محکوم شده بود؛ دیوان عالی کشور و سپس دادگاه صادرکننده رأی نهایی، درخواست اعاده دادرسی را پذیرفتند. نکته رویه‌ای مهم، دادگاه در رأی نهایی استدلال کرد که «برای تحقق بزه مذکور ماده ۶۳۹ علاوه بر شرایط دیگر، لازم است که بین زنان و مردان رابطه جنسی در آن مکان به‌طور مکرر برقرار بوده باشد... در حالی که... هیچ زنی در مکان موصوف وجود نداشته است.» (رأی شعبه ۱). این رأی نشان‌دهنده یک

تفسیر مضیق و سخت‌گیرانه از عنصر مادی جرم «دایرکردن مرکز فساد» است. دادگاه صرف برگزاری مهمانی مختلط را، بدون شواهد قوی بر وقوع رابطه جنسی مکرر و سازمان‌یافته، کافی برای تحقق این جرم ندانسته است. این رویکرد با رویه‌های موسع‌تری که در ادامه می‌آید در تعارض است و نشان‌دهنده عدم وحدت رویه در تفسیر این ماده است. همچنین، دادگاه به درستی جرم انتشار محتوای مستهجن در فضای مجازی را ذیل ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای (ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی جدید) مجزا دانسته و برای آن مجازات مستقلی قائل شده است که نشان از تفکیک صحیح عناوین مجرمانه دارد.

پرونده ۲ (م.ق. و دیگران) و الگوی مجازات‌های سنگین و تجمیع‌یافته؛ در این پرونده، شبکه‌ای متشکل از چندین متهم که با برگزاری پارتی‌های مختلط در سطح گسترده، انتشار محتوای مبتذل در فضای مجازی، مدیریت کافه‌های غیرمجاز و نگهداری مشروبات الکلی فعالیت می‌کردند. دادگاه با استناد هم‌زمان به مواد ۶۳۹، ۷۰۲ (نگهداری مسکر)، ۷۰۴ (قاچاق کالا)، ۷۴۲ و ۷۴۳ (جرائم رایانه‌ای)، مجازات‌های بسیار سنگینی (تا ۱۰ سال حبس برای دایر کردن مرکز فساد) صادر کرد. در توصیف فعالیت متهمان از عباراتی مانند «نقش مؤثر در سطح کلان»، «ایفای نقش اساسی»، «سبب اشاعه فساد در حد وسیع» و «حرفه خود قرار داده‌اند» استفاده شده است. این پرونده، نمونه بارز برخورد قاطع و تجمیعی با یک کانون کاملاً سازمان‌یافته ضد اخلاق است. دادگاه با تلفیق چندین ماده قانونی، سعی در انعکاس ابعاد مختلف فعالیت مجرمانه (مدیریت مکان، ترویج از طریق فضای مجازی، جرائم مرتبط مانند مشروبات الکلی) داشته است. این رأی نشان می‌دهد رویه قضائی هنگام مواجهه با شبکه‌های پیچیده و دارای تقسیم کار، به سمت تفسیر موسع از مفهوم «سازمان‌یافته بودن» و اعمال حداکثر مجازات‌ها حرکت می‌کند. تأکید بر نقش فضای مجازی در «تشویق مردم به فساد» نیز حائز اهمیت است.

پرونده ۳ (ع.غ) دیوان عالی کشور با پذیرش درخواست اعاده دادرسی، تأکید کرد که تحقق بزه «فراهم کردن موجبات فساد» (بند ۳ ماده ۶۳۹) نیازمند «استمرار فعل» است و «صرف قراردادن منزل در اختیار دو نفر برای یک بار» کافی نیست، مگر آنکه مرتکب قصد و علم به وقوع فساد داشته باشد.

پرونده ۴ (ج.) دادگاه تجدیدنظر رأی بدوی را نقض کرد؛ زیرا دلیل محکمی بر وقوع فساد و فحشا در مراسم جشن وجود نداشت و همچنین «دایرکردن مرکز فساد مستلزم تکرار است.

پرونده ۵ (ع.غ) دادگاه تجدیدنظر عنوان مجرمانه را از «دایرکردن مرکز فساد» به «قوادی» تغییر داد که مجازات کمتری دارد، زیرا شواهد فقط رابطه خاصی را ثابت می‌کرد نه مدیریت یک مرکز مستمر.

این سه رأی پرونده‌های ۵، ۴، ۳، یک اصل مهم رویه‌ای را تقویت می‌کنند، تفسیر قضائی از مواد مربوطه، به‌ویژه ماده ۶۳۹، نباید چنان موسع باشد که هرگونه ارتباط یا میهمانی را جرم انگاری کند. دیوان عالی و دادگاه‌های تجدیدنظر بر لزوم احراز قصد مجرمانه خاص، استمرار فعالیت، و ادله محکمه‌پسند تأکید دارند. این رویکرد شاید حافظ حقوق دفاعی متهمان باشد، اما از سوی دیگر ممکن است در مواردی مقابله با شبکه‌های هوشمند و پنهان‌کار را دشوار سازد.

۲-۶-۲. تحلیل آرای مرتبط با فرقه‌ها و کانون‌های ضد معنویت (مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون

مجازات - تعزیرات)

تمایز حیاتی میان «عقیده و عضویت غیرفعال» و «فعالیت سازمان‌یافته معاند» این دو رأی که به فرقه بهائیت (پرونده ۷) و گروه عرفان حلقه (پرونده ۸) مربوط می‌شوند، عمیق‌ترین چالش تفسیری در برخورد با کانون‌های ضد معنویت را نشان می‌دهند؛ مرز بین آزادی عقیده (حتی اگر غیررسمی) و فعالیت مجرمانه سازمان‌یافته باشد؛ پرونده ۸ (عرفان حلقه - م.س.) در این پرونده، متهم به اتهام «فعالیت آموزشی و تبلیغی مغایر و محل شرع مقدس اسلام در قالب گروه و جمعیت و فرقه» (ذیل مواد عمومی مانند ۴۹۹) محکوم شده بود، دیوان عالی کشور صراحتاً اعلام کرد: «در قوانین کیفری، وابستگی به گروه عرفان حلقه جرم انگاری نگردیده و عضویت در فرقه و شرکت در کلاس‌های آن اقدام علیه امنیت ملی نمی‌باشد.» شعبه نهم دیوان تأکید کرد که «هرچند به لحاظ غیرقانونی بودن چنین تشکیلاتی تخلف و سرپیچی از قوانین و مقررات بوده...» اما این امر لزوماً به معنای تحقق عناوین مجرمانه سنگین‌تر مانند اقدام علیه امنیت نیست. این رأی یک خط‌کشی قضائی مهم ایجاد می‌کند. دیوان عالی به‌وضوح میان وجود یک گروه یا نحله با عقاید غیررسمی و «تشکیلات» یا «جمعیت» به معنای مذکور در ماده ۴۹۹ که «به قصد برهم‌زدن امنیت کشور یا مقابله با نظام» فعالیت می‌کند، تمایز قائل می‌شود. این رأی نشان می‌دهد که صرف متفاوت بودن عقیده یا حتی تشکیل کلاس‌های غیرمتداول، بدون احراز «قصد مقابله با نظام» و داشتن ساختار تشکیلاتی معاند، نمی‌تواند مستند محکومیت‌های شدید کیفری قرار گیرد. این رویکرد، مقابله با کانون‌های ضد معنویت را به اثبات عنصر معنوی خاص (قصد معاندت) و ساختار سازمان‌یافته مجرمانه مشروط می‌کند.

پرونده ۷ (بهائیت - ا.ش. و دیگران) در این پرونده، چندین نفر به اتهام عضویت در گروه‌های معاند نظام (وابسته به بیت‌العدل) و تبلیغ علیه نظام محکوم شده بودند. آن‌ها درخواست اعاده دادرسی کردند. در مرحله اول، شعبه دیوان عالی کشور درخواست را موجه دانست و اعلام کرد: «صرف بهایی‌بودن را نمی‌توان بزه عضویت در فرقه مذکور عنوان نمود...» و پرونده را برای رسیدگی مجدد

ارجاع داد؛ اما در نهایت، دادگاه صادرکننده رأی قطعی پس از ارجاع، اعاده دادرسی را رد کرد. این دادگاه در استدلال نهایی خود تمایز بنیادینی قائل شد «محکومیت آنان به صرف بهایی یا بهایی زاده بودن نمی باشد... بلکه فعالیت فرقه ای آنان که متأثر از القائنات ضد نظام در داخل و خارج از کشور... و در راستای اهداف معاندانه آنان تلاش می نمایند» دلیل محکومیت است. این پرونده، فرایند پیچیده و چندمرحله ای قضائی در چنین موارد حساسی را نشان می دهد. نکته بسیار مهم، تأیید نهایی اصل مطرح شده در پرونده عرفان حلقه توسط همان مرجع قضائی است: تمایز بین هویت عقیدتی و فعالیت سازمان یافته معاند. دادگاه تأکید می کند که محکومیت نه برای باور، بلکه برای «فعالیت فرقه ای» در چارچوب «اهداف معاندانه» و تحت «القائنات ضد نظام» است. این نشان می دهد که دستگاه قضائی برای محکوم کردن افراد در این حوزه، نیازمند ارائه دلایل عینی و ارتباطی بین فعالیت های فرد و ساختارها و اهداف معاند خارجی یا داخلی است. این رویکرد، مقابله با فرقه های ضاله را از سطح برخورد با عقیده به سطح برخورد با توطئه و اقدام سازمان یافته علیه امنیت ملی ارتقا می دهد، که هم از نظر حقوقی مستحکم تر و هم از نظر اجتماعی قابل دفاع تر است. به طور کلی، عدم وحدت رویه در تفسیر مفاهیم کلیدی؛ تفاوت فاحش بین تفسیر مضیق «مرکز فساد» در پرونده ۱ و تفسیر موسع و تجمیعی در پرونده ۲، نشان دهنده چالش جدی نبودن رویه واحد در برخورد با کانون های ضد اخلاق است. این امر می تواند به پیامدهای حقوقی بینجامد. تمایز قاطع قضائی عالی بین «عقیده/عضویت» و «فعالیت معاند» آرای دیوان عالی کشور در پرونده های ۷ و ۸، یک چارچوب تفسیری ارزشمند ایجاد کرده اند. این چارچوب، مقابله با کانون های ضد معنویت را مشروط به احراز سازمان یافتگی، قصد مقابله با نظام و ارتباط با اهداف معاند می کند و از تبدیل دستگاه قضائی به نهادی صرفاً برای پیگرد عقاید متفاوت جلوگیری می نماید. نقش مثبت مراجع عالی در تعدیل رویه مشخص است؛ دیوان عالی کشور و دادگاه های تجدیدنظر در پرونده های ۱، ۳، ۴ و ۵ با تأکید بر ضرورت ادله قوی، استمرار جرم و قصد مجرمانه، نقش تصحیح کننده و تعدیل گر در برابر تفسیرهای افراطی احتمالی دادگاه های بدوی ایفا کرده اند. لزوم شفاف سازی قانونی حائز اهمیت است، همه این چالش ها ریشه در ابهام ذاتی برخی مفاهیم قانونی (مرکز فساد، سازمان یافته، فرقه ضاله، قصد معاندت) دارد. رویه قضائی اگرچه سعی در پرکردن این خلأ دارد، اما برای ایجاد وحدت رویه پایدار، نیازمند اصلاحات تقنینی یا تصویب آیین نامه های شفاف کننده توسط مراجع ذی صلاح (مانند قوه قضائیه یا مقننه) است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که نظام حقوقی ایران با تکیه بر مبانی فقهی و قانونی، سازوکارهای نسبتاً جامعی برای مقابله با کانون‌های سازمان‌یافته ضد اخلاق و معنویت طراحی کرده است. قوانینی چون مواد ۶۳۷ تا ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی، قانون جرائم رایانه‌ای و الحاقات بعدی آن (نظیر مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر مصوب ۱۳۹۹) و نیز سیاست‌های کلی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب، ابزارهای قانونی لازم را در اختیار قوه قضائیه قرار داده‌اند. بااین حال، صرف وجود این ابزارها به معنای کارآمدی قطعی آن‌ها نیست و بررسی‌های این پژوهش نشان داد که نظام عدالت کیفری در این حوزه با چالش‌های مهمی مواجه است؛ نخست آنکه، برخی از قوانین موجود نیازمند بازخوانی تاریخی دقیق هستند. برای نمونه، تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی که ریشه در مصوبه ۱۳۷۵ دارد، به‌رغم تغییرات مکرر در مبالغ جزای نقدی (ازجمله براساس مصوبات اخیر هیئت وزیران نظیر مصوبه ۱۴۰۳)، همچنان از حیث محتوایی و تفسیری با ابهاماتی همراه است که در طول سال‌ها پابرجا مانده است. دوم آنکه، الحاقات تقنینی بعدی، نظیر مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر مصوب ۱۳۹۹، اگرچه برای پرکردن خلأهای ناشی از فعالیت کانون‌های ضد معنویت در فضای مجازی ضروری بوده‌اند، اما خود به دلیل هم‌پوشانی معنایی با قوانین پیشین و عدم تعریف دقیق مفاهیم کلیدی نظیر «فرقه انحرافی»، «گروه مغایر با شئون اسلام» و «محتوای مخل امنیت عمومی» ابهامات تازه‌ای را به نظام حقوقی تحمیل کرده‌اند. اما مهم‌ترین یافته این پژوهش آن است که چالش اصلی نظام عدالت کیفری در این حوزه، نه صرفاً فقدان قوانین ناظر بر عملیات سازمان‌یافته (که در قواعد عمومی حقوق جزا و تبصره ماده ۶۳۹ قابل رفع است)، بلکه ابهامات معناشناختی عمیق در مفاهیم بنیادینی چون «جریحه‌دارکردن عفت عمومی»، «مرز حریم خصوصی و انتظار عمومی»، «تشخیص فرقه انحرافی از گروه عقیدتی غیررسمی» و «تعیین شدت و ضعف رفتارهای مجرمانه» است. این ابهامات، قضات را با طیف وسیعی از رفتارها با شدت و ضعف متفاوت مواجه می‌سازد و نتیجه طبیعی آن، تشتت آرای قضائی و آسیب‌پذیری وحدت رویه است. تحلیل آرای محاکم (از پرونده‌های مرتبط با مراکز فساد تا فرقه‌های انحرافی) گویای آن است که در شرایط ابهام قانونی، برداشت‌های شخصی قضات جایگزین تفسیر واحد قانونی می‌شود و این امر، هم به پیش‌بینی‌پذیری احکام قضائی آسیب می‌زند و هم کارایی سیاست جنایی را کاهش می‌دهد. ازاین‌رو، صرف جرم‌انگاری عملیات سازمان‌یافته کافی نیست. راهکار اساسی، در گام نخست، شفاف‌سازی مفاهیم قانونی توسط خود قانونگذار از طریق اصلاح قوانین موجود و رفع هم‌پوشانی‌هاست. در گام بعد، صدور آرای وحدت رویه از سوی دیوان عالی کشور

و تصویب آیین‌نامه‌های تفسیری توسط قوه قضائیه ضرورت دارد تا مرز میان «آزادی‌های مشروع فردی» و «نقض اخلاق عمومی» دقیقاً ترسیم شود. چنین رویکردی، همسو با تأکید بیانیه گام دوم انقلاب بر «مقابله هوشمندانه و معقول» با کانون‌های ضد اخلاق، می‌تواند ضمن صیانت از ارزش‌های بنیادین، از افراط‌گری قضائی و تضییع حقوق دفاعی متهمان نیز جلوگیری نماید و نسخه عملی «سیاست جنایی متعادل» را به نمایش گذارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن‌منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۰۵ق). لسان‌العرب. قم: انتشارات ادب‌الحوزه.
- بانکی‌پور، امیرحسین؛ قماشچی، احمد. (۱۳۸۰). تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری. تهران: نشر تربیت اسلامی.
- چراغی، سعید. (۱۴۰۰). بررسی مستندات قرآنی و روایی اخلاق و معنویت در جامعه براساس بیانی‌ه گام دوم (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- حبیب‌نژاد، سیداحمد منصور، پرونی، محمد. (۱۳۹۸). ساحت‌های اخلاق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر رویکرد حکومت دینی. مجله فلسفه دین، شماره ۳۹.
- دهخدا، علی‌اکبر. (بی‌تا). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- روزبه، محمدحسن. (۱۳۹۵). مراتب اخلاقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مجله سیاست متعالیه.
- سلیمی، صادق. (۱۳۹۸). چکیده حقوق جزای عمومی (چاپ ششم). تهران: انتشارات جنگل.
- طوسی، محمدبن محمدبن حسن. (۱۴۱۳ق). اخلاق ناصری. تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- قدسی، سیدابراهیم؛ بی‌نیاز، مهدی. (۱۳۹۰). جرایم صوتی و تصویری در قلمرو عفت و اخلاق عمومی. مطالعات فقه و حقوق اسلامی.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر. (بی‌تا). قاموس القرآن، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲، چاپ پانزدهم.
- کامفر، بهداد. (۱۴۰۱). دوره پیشرفته حقوق جزای عمومی و اختصاصی، تهران: انتشارات پژوهش (نوبت نشر ۲۲).
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار (ج ۱۶). تهران: انتشارات اسلامی.